



## Redesigning the Deterrence of the Islamic Republic of Iran in Confrontation with the Zionist Regime Based on the Experience of the "True Promise" Operation

Mahdi Roohi<sup>1</sup> | Hossin Hossini<sup>2</sup> | Ali Kalhor<sup>3</sup>

1. Corresponding Author: Graduate of the Ph.D. program in Regional Studies, Tehran, Iran [Roohi1@chmail.ir](mailto:Roohi1@chmail.ir)
2. Associate Professor, Imam Hussein Comprehensive University, Tehran, Iran
3. Graduate of the Ph.D. program in Regional Studies, Tehran, Iran

### Volume info

Vol. 18  
Series: 68  
Autumn 2025  
P.P: 11-36

### Article Type

Research Paper

### Article History

Received:  
2024-07-20  
Revised:  
2025-04-06  
Accepted:  
2025-08-26  
Published:  
2025-12-31

### ISSN – E-ISSN

ISSN: 2538-1857  
E-ISSN: 2645-5250



### Abstract

This research aims to elucidate True “vade sadegh” 1 and 2 as creating a new dynamic in the relations between the Islamic Republic of Iran and the Zionist regime. True “vade sadegh” 1, which occurred in response to the Zionist regime's aggression against the consulate of the Islamic Republic of Iran in Syria, transformed the four-decade trajectory of relations between the Islamic Republic and the Zionist regime and is considered the first official attack by the Islamic Republic against the Zionist regime since the Strategic Patience doctrine. Prior to this operation, the deterrence doctrine of the Islamic Republic was based on the principle that if aggression by the Zionist regime targeted Iran, although Iran might also suffer damages, the Islamic Republic would dictate the end of the war. Based on the theoretical framework of realism in international relations, the True Promise operation demonstrated that the country's defense doctrine vis-à-vis the Zionist regime can evolve beyond a punitive response to emphasize "incalculability" and, consequently, the "unmanageability" of Iran's behavior. Based on the experience of “vade sadegh” 1 and 2, the Zionist regime should expect behavior outside the conventional rules of engagement following any aggression against Iran, just as Iran's response in True Promise exceeded analysts' expectations. Therefore, institutionalizing the True Promise experience into the standard behavior of the Islamic Republic in confronting the Zionist regime should provide a new model for designing the Islamic Republic's deterrence strategy in the new state of Iran-regime relations. This article seeks to present such a perspective.

**Keywords:** Iran, Zionist regime, deterrence, incalculability, unmanageability

**Cite this Article:** Roohi, M., hoseini, &, & kalhor, A. (2026). The evolution of relations between Iran and the Zionist regime and the redesign of the deterrence of the Islamic Republic based on the experience of the "vadeh Sadiq" operation.. Security Horizons, 18(69), 11-36.



Publisher: Imam Hossein University.

© The Author(s).



## بازطراحی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با رژیم صهیونیستی مبتنی بر تجربه عملیات «وعده صادق»

مهدی روحی<sup>۱</sup> | حسین حسینی<sup>۲</sup> | علی کلهر<sup>۳</sup>

roohi1@chmail.ir

۱. نویسنده مسئول: دانش آموخته دوره دکتری مطالعات منطقه ای، تهران، ایران

۲. دانشیار دانشگاه جامع امام حسین<sup>(ع)</sup>، تهران، ایران

۳. دانش آموخته دوره دکتری مطالعات منطقه ای، تهران، ایران

### سال و شماره

سال ۱۸، پیاپی: ۶۹  
زمستان ۱۴۰۴  
صص: ۳۶-۱۱

### نوع مقاله

### مقاله پژوهشی

### سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰  
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۴  
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

### شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷  
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۵۰



### چکیده

پژوهش حاضر در صدد تبیین وعده صادق ۲۰۱ به عنوان پدیده آورنده یک وضعیت جدید در مناسبات میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی است. عملیات وعده صادق ۱ که در پاسخ به تجاوز رژیم صهیونیستی به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در سوریه اتفاق افتاد روند چهار دهه‌ای مناسبات میان جمهوری اسلامی و رژیم صهیونیستی را دگرگون کرد و اولین حمله رسمی جمهوری اسلامی به رژیم صهیونیستی پس از راهبرد صبر استراتژیک محسوب می شود. تا پیش از این عملیات، دکترین بازدارندگی جمهوری اسلامی مبتنی بر این اصل بود که اگر تجاوزی از جانب رژیم صهیونیستی متوجه ایران شود، اگر چه ایران نیز ممکن است دچار آسیب هایی شود ولی پایان جنگ را جمهوری اسلامی رقم خواهد زد. مبتنی بر چارچوب نظری واقع گرایی در روابط بین الملل، عملیات وعده صادق نشان داد دکترین دفاعی کشور در قبال رژیم صهیونیستی می تواند از پاسخ پشیمان کننده ارتقا یافته و بر «محاسبه ناپذیری» و به تبع آن «مدیریت ناپذیری» رفتار ایران تغییر کند. بر اساس تجربه وعده صادق ۱ و رژیم صهیونیستی پس از هرگونه تجاوزگری علیه ایران باید منتظر رفتار خارج از قاعده بازی مرسوم باشد همانگونه که در وعده صادق، پاسخ ایران فوق تصور تحلیل گران محقق گردید بر این اساس، تبدیل شدن تجربه وعده صادق به قاعده در رفتار جمهوری اسلامی در مواجهه با رژیم صهیونیستی، باید بتواند الگویی جدید برای استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی در وضعیت جدید مناسبات ایران و رژیم طراحی نماید. این مقاله درصدد ارائه چنین چشم اندازی است.

کلیدواژه‌ها: ایران، رژیم صهیونیستی، بازدارندگی، محاسبه ناپذیری، مدیریت ناپذیری

**استناد:** روحی، مهدی، حسینی، حسین، و کلهر، علی. (۱۴۰۴). بازطراحی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه

با رژیم صهیونیستی مبتنی بر تجربه عملیات «وعده صادق». فصلنامه آفاق امنیت، ۱۸(۶۹)، ۱۱-۳۶.



نویسندگان.

ناشر: دانشگاه جام امام حسین (ع).



## مقدمه

از مهم ترین پرونده های منطقه ای که تحولات بنیادین در وضعیت امنیتی منطقه داشته و تقریباً مناسبات و روابط همه کشورهای منطقه را متأثر از خود کرده است؛ مسئله فلسطین و پروژه ایجاد دولت رژیم صهیونیستی است. به تبع، مناسبات و روابط خارجی جمهوری اسلامی در سطح منطقه ای، جهانی و حتی بین المللی نیز بصورت پر رنگ در گیر فلسطین و رژیم صهیونیستی بوده است. جمهوری اسلامی نیز بسان بسیاری از کشورهای منطقه از ابتدا مخالفتی با جعل دولت صهیونیستی در منطقه داشته و پس از انقلاب اسلامی ایران بصورت پررنگ تر یکی از مهم ترین مدافعان آرمان فلسطین و حامی مستضعفین در برابر اشغالگری صهیونیسم بوده است. از همین زاویه، این مهم ترین پرونده غرب آسیا، صحنه رویارویی اراده دو دیدگاه متعارض بوده است. طرح صهیونیستی - غربی برای ایجاد و تثبیت دولت یهودی در سرزمینهای اشغالی در مقابل ایده مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی برای رفع اشغال از سرزمین های اسلامی. در چنین وضعیتی در دو محور یاد شده در راستای اهداف خود مجموعه استراتژی ها و سیاستهایی را در مورد چگونگی دستیابی به اهداف خود مورد تاکید قرار داده اند. اما مهم تر اینکه در پیشانی این دو جبهه دولت جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی قرار دارد که هر یک در این مواجهه حداکثری، دکترین ها و استراتژی هایی را مبنای رفتار خود قرار داده اند. اما در چنین وضعیت پیچیده ای که رویارویی اراده های دو طرف برای تحمیل خواست خود بود، عملیات طوفان الاقصی در اکتبر سال جاری نقطه عطف مهمی در مناسبات مقاومت و رژیم صهیونیستی ایجاد کرد. که یکی از تکانه های آن حمله گاه و بیگاه رژیم صهیونیستی به منافع ایران در خاک سوریه و تشدید عملیاتهای خرابکاری در داخل خاک ایران بود. در این شرایط راهبرد جمهوری اسلامی مبتنی بر «صبر استراتژیک» تبیین می شد تا اینکه رژیم صهیونیستی در یک خط قرمز شکنی آشکار، کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در سوریه را بطور رسمی مورد حمله قرار داد و همه دنیا را با این بازی خطرناک در یک شوک قرار داد. چنین فضایی ضرورت پاسخ به بی پروایی های رژیم صهیونیستی را دوچندان می کرد و مجموعه دلایل متعدد جمهوری اسلامی را به این نکته رهنمون کرد که نیازمند پاسخ جدی به تجاوزگری های رژیم صهیونیستی است. که در نهایت منجر به طراحی و انجام عملیات مهم و راهبردی «وعده صادق» گردید. عملیاتی که در چهل سال

رویاری جمهوری اسلامی با رژیم صهیونیستی بدیع بود. تا جایی که می توان این عملیات را نقطه آغاز فصلی جدید در مناسبات جمهوری اسلامی با رژیم صهیونیستی دانست. البته در خصوص مسئله مورد پژوهش نباید پاسخ غیر مستقیم رژیم صهیونیستی به عملیات وعده صادق نیز مورد غفلت قرار گیرد که در متن به این مهم نیز پرداخته خواهد شد. به همین منظور و با توجه به تغییر و تحول در وضعیت مناسبات جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی و به تبع با مهم ترین حامی رژیم یعنی امریکا، ضرورت باز طراحی و بازنگری در استراتژی جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن اول ایران ضرورت می یابد. این پژوهش درصدد تبیین الگوهای بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با رژیم صهیونیستی تا وعده صادق و ارائه پیشنهاداتی در باز طراحی دکترین بازدارندگی خود مقابل رژیم صهیونیستی است. چرا که وعده صادق به نوعی یک نقطه عطف در مواجهه جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی بوده و باید با بهره برداری از تجربیات بدست آمده و تحلیل قوت‌های و کاستی‌های احتمالی در مواجهه آتی جمهوری اسلامی در محیط پر آشوب غرب آسیا با رژیم صهیونیستی از آن بهره برداری کرد. در همین راستا پس از عملیات وعده صادق دوم و تجاوز رژیم صهیونیستی به برخی سامانه‌های پدافندی، در کلام برخی فرماندهان نظامی، سخن از تغییر در راهبردهای عملیاتی جمهوری اسلامی برای ایجاد باز دارندگی به میان آمد. این مسئله نشان می دهد عملیات وعده صادق اول و دوم انجام شده نیاز به بازنگری و باز طراحی برای ترمیم بازدارندگی جمهوری اسلامی دارد.

### پیشینه پژوهش

از آنجایی که کشورها در وضعیت مخاصمه با یکدیگر قرار می گیرند؛ در این مواجهه نیاز به طراحی بازدارندگی همواره احساس می شده است، آثار قابل توجهی در خصوص این موضوع تولید شده است. آثار تولید شده ناظر به ایجاد بازدارندگی بیشتر در عصر اتمی مورد توجه قرار گرفته است. در این قسمت با توجه به اهمیت موضوع به برخی از این آثار اشاره می شود. فریدمن (۱۳۸۹) در کتابی با عنوان «بازدارندگی» به تبیین ماهیت و چیستی بازدارندگی اشاره کرده است که اغلب بحث‌های تئوریک در خصوص بازدارندگی می باشد. وی تصریح می کند: «

بازدارندگی یک استراتژی اجبار محور است. این استراتژی در بردارنده‌ی استفاده‌ی هدف‌مند از تهدید به روز برای اعمال نفوذ بر انتخاب‌های استراتژیک طرف مقابل است» (Freedman, 2007: 64) عسگرخانی (۱۳۷۷) طی مقاله‌ی با عنوان «سیری در نظریه‌های بازدارندگی خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای» به مباحث مهم بازدارندگی در عصر هسته‌ای پرداخته است. عسگرخانی در این مقاله تصریح کرده بازدارندگی ایده‌محوری دولتهای هسته‌ای برای مواجهه با دیگر کشورها بوده و بدون قدرت هسته‌ای سخن گفتن از بازدارندگی مفهوم نخواهد بود.

همچنین ریاضی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «الگوی بازدارندگی راهبردی سازمانهای نظامی جمهوری اسلامی»، سعی کرده به شناسایی عوامل اساسی بازدارندگی راهبردی در محیط امنیتی جمهوری اسلامی بپردازد. در این پژوهش، اصولی همچون اندیشه‌های مقام معظم رهبری، مولفه‌هایی همچون قدرت نظامی، معنویت و اقتدار و عملیات روانی از مولفه‌های قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی بوده‌اند.

نوروزانی (۱۳۸۸) در مقاله‌ی با عنوان «فرهنگ نظامی ایران و بازدارندگی تهاجم نظامی امریکا» سعی کرده با بررسی برخی وقایع تاریخی به تحلیل نقش فرهنگ نظامی ایران در ایجاد اعتبار در بازدارندگی از تهاجم نظامی ایالات متحده بپردازد. نورزایی معتقد است با توجه به فرهنگ نظامی حاکم بر مردم ایران به هنگام بروز حمله نظامی به سرزمین خود با الهام از آموزه‌های مذهبی و ملی به دفاع از کشور می‌پردازند، تحلیلگران نظامی و سیاسی غرب به اعتبار حوادث و درگیری‌های رخ داده در جنگ هشت ساله میان ایران و عراق و همچنین شیعیان منطقه و نیروهای نظامی حافظ منافع غرب به رهبری امریکا از پیشبینی وقایع درگیری احتمالی میان امریکا و ایران ناتوان بوده و این امر خود از مهمترین علل ایجاد بازدارندگی نظامی می‌باشد.

رهام (۱۴۰۲) در «استراتژی بازدارندگی ایران در قبال سیاستهای تهاجمی امریکا و رژیم صهیونیستی» آورده است جمهوری اسلامی با وجود تهدید در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با ابعاد گسترده و تنوع ساختاری تهدیدها؛ با توجه به تعارض دیدگاه و ایدئولوژی بین ایران و این دو کشور، آنها سعی می‌کنند از تمامی ابزار و امکانات خود به منظور جلوگیری از نفوذ

منطقه ای ایران و همچنین گسترش سطح تهدیدات استفاده نمایند. عمده راهکار ارائه شده توسط نویسنده هم در قالب بیشینه سازی قدرت نرم جمهوری اسلامی خلاصه می شود. برخی پژوهش های دیگری نیز نزدیک به مسئله مورد بحث وجود دارند که ضرورتی به اطاله بحث در باره آن دیده نمی شود چرا که با مسئله پژوهش حاضر ارتباط وثیق ندارد. زیرا این پژوهش درصدد ارائه بازدارندگی در محیط جدید مواجهه جمهوری اسلامی و رژیم صهیونیستی پس از عملیات های وعده صادق و مبتنی بر تجربه وعده صادق است. در حالی که عمده پژوهش ها در این زمینه به مطلق بازدارندگی و در محیط امنیتی پیش از طوفان الاقصی اشاره دارند.

## ادبیات تحقیق

کلید واژه بازدارندگی ابتدا پس از جنگ جهانی دوم بکار برده شد. پیدایش سلاح های هسته ای پس از جنگ جهانی دوم، موضوع بقای کشورها وقتی مورد حمله دارندگان تسلیحات هسته ای قرار می گیرند مورد طرح قرار گرفت و در سطح نظریه های بین الملل مطرح شد. (Powell, 1990: 2) وزارت دفاع آمریکا بازدارندگی را «جلوگیری از یک اقدام به وسیله ایجاد ترس از پیامدهای آن» تعریف کرده است. (DoD, 2010) در منابع دینی ما نیز برخی آیه قرآن کریم: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» را ناظر به امادگی همه جانبه برای ایجاد ترس در دشمن تفسیر کرده اند. به خصوص کلمه «ترهبون» که ناظر به ایجاد وحشت و دلهره در دشمن می باشد. (Tabatabaei, 1996: 124)

از آنجایی که بازدارندگی در مقابل دشمن تعریف می شود، بازدارندگی بر «یک وضعیت ایستا و نقطه تعالی اشاره می کند که واحدها در چنین شرایط پیچیده ای تلاش می کنند تا بقا و امنیت راهبردی خود را تضمین نمایند.» (Ghasemi, 2012: 117) بنا بر استدلال قاسمی، نظریه های بازدارندگی مبتنی ساخت قدرتهای بزرگ طراحی شده و اتفاقاً این نظم جهانی است که مسئله بازدارندگی را برای آنان تامین می کند. یعنی طراحی یک نقطه تعادل که با نیل به آن قدرتهای بزرگ چنین ثباتی را برای خود تصور و ایجاد کرده و این ثبات را حفظ نمایند. این نقطه تعادل در وضعیت عدم توان حمله رقیب یا دشمن صورت می گیرد یعنی ایجاد تهدید متقابل برای عدم توانایی حمله طرف مقابل صورت می گیرد. «کالینز» بیشتر بر جنبه روانی بازدارندگی تاکید دارد: «

بازدارندگی دشمن را از نظر فیزیکی دفع نمی کند، بلکه از نظر روانی از تجاوز گری او جلوگیری می نماید» (Colins, 2011: 111) البته کالینز تأکید می کند علاوه بر بعد روانی برای کسب اعتبار و کارایی بیشتر، «بازدارندگی نیازمند وجود دکترینی عملیاتی و توانایی محسوسی برای جنگیدن است. او تأکید می کند برخورداری از برتری نظامی مستلزم وجود نیروهای آسیب ناپذیر و سیستم های فرماندهی کارآمد است» (Colins, 2011: 111)

برخی با استفاده از نظریه کلازویتس مبنی بر اینکه «استراتژی به معنای استفاده از زور و نیز تهدید به استفاده از زور برای تحقق فرجامهای سیاست» است، بازدارندگی را به معنای «پیامد وضعیتی که یک شخص، سازمان، یا نظام سیاسی خاصی تصمیم می گیرد به دلیل باور یا گمان قوی به اینکه پیامدهای ناشی از یک اقدام خاص تحمل ناپذیر خواهد بود انجام آن خودداری کند، اقدامی که در صورت عدم تصور پیامدهای آن قطعاً صورت می گرفت» ترسیم کرده اند. (Collins, 2001: 4) کولین استدلال می کند که بازدارندگی به معنای توانمندی صرف نظامی نیست و این خطای فاحش است که بازدارندگی را صرفاً ترسیم توانمندی نظامی نماییم. یعنی اگر معتقد باشیم توانمندی نظامی ذاتاً بازدارنده است در این صورت بازدارندگی با خرید، نگهداری و تامین مقادیر زیادی از تسلیحات نظامی باید حاصل شود. مثلاً تامین و نگهداری هزار موشک هسته ای باید دوبرابر بازدارندگی بیشتر از پانصد موشک با برد کلاهیک هسته ای ایجاد نماید. برخی دیگر بازدارندگی را از مقوله «هراس» تعریف کرده اند. فریدمن معتقد است: «بازدارندگی» احتیاط برخاسته از شناخت خطر احتمالی، تقریباً در هر وضعیتی تا تلاش ها برای برانگیختن حزم و احتیاط از طریق تهدید به درد را در بر می گیرد لذا بازدارندگی عبارت است از ترساندن دیگری با یک مقصود خاص» (Freedman, 2007: 21) عسگر خانی نیز بازدارندگی را به تهدید عمل متقابل یا تلافی جویانه مرتبط کرده است. معمولاً در بازدارندگی عمل متقابل یا تلافی جویانه نقش اساسی دارد. و مبتنی بر این باشد که اگر دشمن جنگ را آغاز کند بهای سنگینی را باید پردازد. به تعبیر عسگر خانی، بازدارندگی بین دو دولت الف و ب عبارتست از قدرت تهدید از طرف دولت الف نسبت به دولت ب به منظور پیشگیری از آغاز جنگ از جانب دولت ب علیه دولت الف؛ به شکلی که در فقدان این تهدید ب بتواند به جنگ علیه دولت الف مبادرت ورزد. (Asgarkhani, 1988: 21)

برخی بازدارندگی از طریق انکار و بازدارندگی از طریق عمل تلافی جویانه و متقابل را از هم تفکیک کرده اند. بازدارندگی از طریق انکار به معنای هرگونه پیشگیری از حمله مانند استفاده از فن آوری و عدم توانایی فنی برای ساقط کردن کلاهک های هسته ای در هنگام حمله بوده ولی تلافی در واقع تهدید به عمل متقابل می باشد. (Mazarr, 2018) از همین زاویه، بازدارندگی یک کشور نسبت به سایر کشورها متفاوت می تواند باشد. حتی یک نظام سیاسی در وضعیت های مختلف باید دارای شرایط بازدارندگی متفاوتی بوده باشد. به همین جهت برخی معتقدند همواره نیاز به رهیافتهای نو در بازدارندگی هستیم و رهیافتهای نو نسبت به رهیافتهای پیشین باید کارآمدتر باشند.

مقام معظم رهبری نیز در خصوص بازدارندگی جمهوری اسلامی در مقابله با دشمنان استدلال کرده اند: « بعضی خیال میکنند اگر ما بخواهیم خودمان را از تهمت سلطه طلبی و اقتدارطلبی بین المللی و منطقه ای برکنار کنیم، باید برویم در لاک دفاعی؛ اینجوری نیست. در لاک دفاعی نمیرویم، در موضع انفعال قرار نمیگیریم، بلکه ما در موضع «اعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» قرار میگیریم... این همان چیزی است که در ادبیات سیاسی امروز به آن «قدرت بازدارندگی» میگویند. (Khamenei.ir, 2016) از این بیانات مقام معظم رهبری برداشت می شود، بازدارندگی میزان آمادگی برای پاسخ مبتنی بر قدرت و استحکام است، توان بازدارندگی بایستی بتواند با فعال کردن سازوکارهای «بازدارندگی مانعت ۱» و یا «بازدارندگی مجازات ۲» دشمن را از فکر حمله و تعارض پشیمان کند.

بنابر مباحث پیش گفته می توان اصول زیر را در خصوص بازدارندگی استخراج کرد (Lupovici, 2016) که بعداً در ترسیم بازدارندگی میان جمهوری اسلامی و رژیم صهیونیستی بر این اصول تمرکز نمود:

قابلیت: این اصل به توانایی واقعی یک کشور برای پاسخگویی به تهدیدات اشاره دارد. برای اینکه بازدارندگی مؤثر باشد، کشور باید توانایی کافی برای اعمال هزینه های سنگین بر مهاجم داشته باشد.

1 Deterrence by denial  
2 deterrence by punishment

اعتبار: اعتبار به معنای این است که طرف مقابل باید باور کند که کشور بازدارنده واقعاً قادر و مایل به استفاده از قدرت خود در صورت حمله است. این شامل ایجاد یک تصویر قوی از اراده و توانایی نظامی است.

ثبات: ثبات به معنای این است که وضعیت بازدارندگی باید پایدار باشد و طرفین باید بتوانند تصمیمات خود را در مورد تهدیدات به وضوح درک کنند. این شامل ارتباط مؤثر بین طرفین و اطمینان از اینکه پیام‌ها به درستی منتقل می‌شوند، می‌باشد.

ارتباط: بازدارندگی مؤثر نیازمند تبادل اطلاعات صریح و شفاف بین طرفین است. دولت‌ها باید نیات واقعی خود را از طریق اعلامیه‌ها و پیام‌ها به اطلاع یکدیگر برسانند تا اطمینان حاصل شود که تهدیدات درک شده و جدی گرفته می‌شوند.

### چارچوب نظری تحقیق

اگر بازدارندگی به مثابه یکی از مهم‌ترین مولفه‌های تامین امنیت باشد، به نظر می‌رسد مفهوم «قدرت» کلیدی‌ترین مفهوم در بازتولید بازدارندگی باشد. لذا می‌توان ادعا کرد بازدارندگی پیوند وثیقی با قدرت پیدا می‌کند و باید در تبیین بازدارندگی از مفاهیم مرتبط با قدرت بهره گرفت. به خصوص که بازدارندگی بیشتر در فضای آنارشیک بین‌المللی مورد بحث قرار می‌گیرد و دولت‌ها در چنین فضایی سعی می‌کنند تهدیدها را از خود دور نمایند. می‌توان استدلال کرد در محیط آنارشیک قدرت حرف اول را می‌زند و ادبیات قدرت اولین مولفه ایجاد بازدارندگی خواهد بود (Walt, 2023: 11) با این استدلال در تبیین مسائل بازدارندگی، نظریه‌های مبتنی بر قدرت امکان‌های بیشتری برای تبیین مولفه‌های بازدارندگی در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. با این مقدمه مختصر در این پژوهش نیز از نظریه‌های مبتنی بر قدرت یعنی نظریه‌های واقع‌گرای (رنالیسم) استفاده خواهد شد. چرا که واقع‌گرایی بر مفهوم بنیادین قدرت صورتبندی شده است (Eftekhari, 2002: 185) و بهتر می‌تواند در حوزه بازدارندگی اهداف تحقیق را تامین نماید. هر چند مکتب رنالیسم در برگیرنده نظریه‌های متعددی است که طیف وسیعی از نظریات سنتی رنالیستی تا نظریات رنالیسم ساختاری همچون نئورنالیسم، رنالیسم تهاجمی و تدافعی را شامل

میشود و مورد بحث ما نیست ولی مبتنی بر اصول کلی و کلانی است که می توان بصورت زیر صورت بندی کرد:

**وضعیت آنارشیک نظام بین الملل؛** از منظر واقع گرایی هیچ قدرت فائقه ای در سطح نظام بین الملل وجود ندارد. لذا در کاربرد زور یک دولت علیه دولت دیگری قدرتی که بتواند تنظیم گر مناسبات باشد وجود ندارد.

**دولت گرایی؛** از دید واقع گرایان، این دولتها هستند که بازیگران اصلی محیط بین الملل هستند و سایر بازیگران در حاشیه این بازی قرار دارند.

**بقاء؛** واقع گرایان مهم ترین و حیاتی ترین اولویت خود را بقا تعریف می کنند. در واقع از منظر واقع گرایان مهم ترین منفعت ملی که رهبران به دنبال آن هستند اولویت بقاست. سایر اهداف مثل اقتصاد و ... در سایه بقا معنا و مفهوم می یابند. چون بقا مفهوم کلیدی واقع گرایی است، وارد کردن اصول اخلاقی در مناسبات بین المللی اشتباه است.

**خودیاری؛** امنیت مقوله ای نیست که دولتی بخواهد در آن به چیز دیگری جز خود متکی باشد. به همین جهت تنها مرجع تامین امنیت خود بسندگی و تاکید بر قدرت کشورهاست. لذا، مهم ترین ابزار کسب امنیت و بقا افزایش قدرت نظامی و از این رهگذر دستیابی به بازدارندگی است (Buzan, 1999: 85)

چنانچه پیداست در یک نگاه واقع گرایانه به وضعیت بین المللی، دولتها برای ایجاد و تامین امنیت بر قدرت تکیه می کنند و با حداکثر سازی قدرت توانایی بقا و امنیت را کسب می کنند. حال به موضوع مورد بحث بازگردیم، جمهوری اسلامی به عنوان یک کشور اسلامی که در رأس آن ولایت فقیه قرار دارد، بنا به برخی ملاحظات دینی نمی تواند در راستای حداکثر سازی قدرت دست به تولید و نگهداری تسلیحات نامتعارف بزند. در مقابل برخی دشمنان جمهوری اسلامی که دشمنی خود را پنهان نیز نمی کنند، دارای قویترین زرادخانه های تسلیحاتی نامتعارف هستند. از جمله این کشورها ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی است. دولت ایالات متحده از ابتدای جمهوری اسلامی همواره سیاست تغییر نظام سیاسی در جمهوری اسلامی را در استراتژی خود داشته همان گونه که در ابتدایی ترین روزهای انقلاب اسلامی در جلسه امنیتی که یکی دو سال اخیر اسناد آن در رسانه ها منتشر شد و مقام معظم رهبری نیز بدان اشاره نمودند. (Khamenei.ir)

رئیس‌جمهور کارتر سیاست تغییر نظام سیاسی در ایران را در دستور کار خود قرار داده بود.<sup>۱</sup> پس از این تاریخ انواع تهدیدات همواره از جانب ایالات متحده نسبت به جمهوری اسلامی روی میز دولتهای آمریکا بوده است. دیگری دولت رژیم صهیونیستی است که همواره از تاسیس انقلاب اسلامی هدفگذاری فروپاشی جمهوری اسلامی ایران را جزو سیاستهای خود معرفی کرده است و در برخی مواقع از تهدید به حمله هسته ای جمهوری اسلامی نیز ابایی نداشته است. در چنین وضعیتی استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی چه بوده است؟ بطور دقیق تر همان گونه که موضوع این پژوهش است، بازدارندگی جمهوری اسلامی با دشمن نزدیک خود رژیم صهیونیستی بر چه چیزی بنا شده است؟ در ادامه به بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در قبال رژیم صهیونیستی پرداخته و به وضعیت جدید پس از وعده صادق خواهیم پرداخت.

## یافته های پژوهش

### استراتژی نظامی رژیم صهیونیستی در قبال جمهوری اسلامی ایران

رژیم صهیونیستی علاوه بر اینکه چالشهایی در همسایگی خود دارد و به عنوان تهدید مورد شناسایی قرار داده است جمهوری اسلامی را هم به عنوان دشمن مهم خود را معرفی می کند. این مسئله در تعابیر یکسال اخیر رهبران رژیم صهیونیستی به بصورت پررنگ تر بروز داشته است. بعنوان مثال نتانیا هو نخست وزیر رژیم صهیونیستی طی سخنانی تصریح کرد که «ایران سر مار است و به ایران حمله می کنیم» (Voice of America (VOA) 2024) که نشان می دهد رژیم صهیونیستی حتی برخی چالشهای خود در پیرامون را نیز از جمهوری اسلامی تلقی می کند. لذا می توان استدلال کرد، رژیم اسرائیل، راهبردهای نظامی خود را در مواجهه با جمهوری اسلامی تعریف می

۱ سند ۱۱۰ مربوط به جلسه آذرماه ۱۳۵۸ کارتر با کمیته هماهنگی ویژه اطلاعات: ترنر رئیس سازمان سیا، برژینسکی مشاور رئیس‌جمهور در امور امنیت ملی، هارولد براون وزیر دفاع و سایروس ونس وزیر امور خارجه واشنگتن، ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ من [جیمی کارتر] عملیات زیر در یک کشور خارجی را برای امنیت ملی ایالات متحده مهم درمی یابم و به رئیس اطلاعات مرکزی [استنسفیلد ترنر] یا نماینده وی دستور می دهم تا مطابق ماده ۶۶۲ [قانون کمک خارجی مصوب سال ۱۹۶۱] این یافته را به کمیته های مربوطه در کنگره گزارش دهد و در صورت لزوم، جلسات توجیهی ارائه دهد. محدوده: ایران شرح: انجام عملیات تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی برای پشتیبانی از تاسیس یک رژیم مسئول و دموکراتیک در ایران؛ برقراری تماس با رهبران اپوزیسیون ایرانی و دولت های ذی نفع با هدف حمایت از تعاملاتی که بتواند به ایجاد جبهه گسترده غربگرا و قادر به تشکیل یک دولت جایگزین، منجر شود. جیمی کارتر

کند که ذیل آن چالشهای دیگر نیز قابل تعریف هستند. به طور کلی رژیم صهیونیستی راهبرد نظامی خود را بر مولفه های ذیل قرار داده است:

توان هسته ای؛ اگر چه رژیم صهیونیستی هرگز رسماً وجود سلاحهای هسته ای خود را تأیید یا تکذیب نکرده است، اما برآوردها حاکی از آن است که این کشور بین ۸۰ تا ۴۰۰ کلاهک هسته ای دارد. رژیم سعی کرده با تسلیحات هسته ای، ضعف عمق استراتژیک خود را جبران نماید. تسلیحات نظامی پیشرفته؛ تسلیحات نظامی متعارف رژیم صهیونیستی شامل، سامانه های پدافندی قدرتمند مانند، پیکان، آرو و گنبد آهنین است. در کنار سامانه های دفاعی، رژیم صهیونیستی از ناوگان جنگنده های مدرن و قدرتمندی بهره می گیرد که توانسته یکی از قدرتهای هوایی منطقه محسوب گردد. در کنار جنگنده ها، پهپادهای تهاجمی و جاسوسی پیشرفته نیز به قدرت هوایی رژیم افزوده اند.

نیروی زمینی گسترده؛ علاوه بر نیروی زمینی قدرتمند به همراه آموزشها و تجهیزات انفرادی، تجهیزات پیشرفته نظیر تانکهای مرکاوا، خدمت سربازی اجباری برای مردان و زنان (به ترتیب ۳۲ و ۲۴ ماه)، باعث تقویت تجربه نظامی و پشتوانه مردمی شده است.

قدرت اطلاعاتی و امنیتی؛ قدرت اطلاعاتی رژیم صهیونیستی به عنوان یکی از قوی ترین سیستم های اطلاعاتی در جهان شناخته می شود. این کشور از چندین سازمان اطلاعاتی در کنار بکارگیری فناوری پیشرفته برخوردار است که در جمع آوری اطلاعات و انجام عملیات های مخفیانه تخصص دارند. به طوری که گاهی از قدرت افسانه ای اطلاعاتی رژیم صهیونیستی یاد می شود. بازوی اطلاعاتی در کنار قدرت نظامی همواره از ارکان قدرت رژیم صهیونیستی بوده است. (Black & Morris, 1991)

دکترین دفاعی و حملات پیشگیرانه؛ تمرکز بر حملات پیش دستانه برای از بین بردن تهدیدها قبل از وقوع درگیری از ویژگی های نظامی رژیم صهیونیستی بوده است که نتیجه آن حملات پیشدستانه و سایبری مکرر به زیرساخت های رقبا منطقه ای حاصل این دکترین بوده است. ترور دانشمندان اثر گذار، حملات پیشگیرانه به تاسیسات هسته ای عراق؛ حمله سایبری به تاسیسات هسته ای جمهوری اسلامی، خرابکاری در برخی صنایع پهپادی و... همه تبلور حملات پیش دستانه رژیم صهیونیستی بوده است. (Bergman, 2018)

در مجموع می‌توان گفت رژیم صهیونیستی بخاطر تهدیدات ماهوی که در پیرامون خود درک کرده است سعی کرده مبتنی بر اصول فوق و ائتلاف سازی با قدرتهای بزرگتر به ویژه آمریکا در تنگنای ژئوپلیتیک و تهدیدات بالقوه پیرامونی خود بازدارندگی ایجاد نماید. حال در مواجهه با چنین دشمنی جمهوری اسلامی باید راهبردهای بازدارندگی خود را ترسیم و عملیاتی نماید که در ادامه بدان خواهیم پرداخت:

### **بازدارندگی جمهوری اسلامی مقابل رژیم صهیونیستی تا عملیات وعده صادق**

پس از طرح مباحث تئوریک درباره چیستی و ماهیت بازدارندگی و مولفه های قدرت رژیم صهیونیستی، اینک نوبت به این می‌رسد که الگوی بازدارندگی جمهوری اسلامی در مقابل دشمن بصورت کلی و به ویژه بازدارندگی در مقابل رژیم صهیونیستی چیست؟ همانطور که در مباحث مقدماتی طرح شد، بطور مرسوم از دو نوع بازدارندگی سخن به میان می‌آید. بازدارندگی مبتنی بر ممانعت و بازدارندگی مبتنی بر مجازات. جمهوری اسلامی بخاطر مسائل خاص خود، به ویژه محدودیت های دینی، فناوریانه و حتی راهبردی به دنبال بازدارندگی ممانعت نبوده است که در جای خود نیاز به بحث تفصیلی دارد. لذا بازدارندگی خود را مبتنی بر مجازات ترسیم کرده است که در ذیل می‌آید:

در طول تاریخ انقلاب اسلامی نسبت ما با رژیم صهیونیستی رابطه خصمانه بوده و بازدارندگی جمهوری اسلامی مبتنی بر مواجهه با این دشمن نزدیک بوده است. طی چهل سال مواجهه جمهوری اسلامی با رژیم صهیونیستی تقریباً مناسبات بصورت خطی و یک روند مشخص را طی نموده و هیچ گاه تهدید از جانب دو طرف حیاتی محسوب نمی‌شد و لذا استراتژی بازدارندگی نیز مبتنی بر این وضعیت بود. به بیان بهتر در طی چهل سال انقلاب اسلامی اگر چه مناسبات ایران و رژیم همواره خصمانه بوده و جمهوری اسلامی ایران راهکار مسئله فلسطین را نابودی رژیم صهیونیستی معرفی می‌نماید «نظر ما نسبت به مسائل فلسطین روشن و واضح است، ما راه حل فلسطین را نابودی رژیم اسرائیل می‌دانیم» (1996Khamenei.ir)، اما این هدف را نه از طریق اقدام مسلحانه بلکه طی یک فرایند انسانی و مبتنی بر اصول حقوق بشری ترسیم می‌کند. به عبارتی نابودی رژیم صهیونیستی نه یک پروژه نظامی و مسلحانه بلکه، پروسه ای انسانی و مبتنی بر اصول مسلم حقوق بشری است. از منظر مقام معظم رهبری «فلسطین را مردم فلسطین باید نجات بدهند،

امت اسلامی هم باید پشتیبانی بکند» (2008Khamenei.ir)، این بدان معناست که پروژه نابودی رژیم صهیونیستی و تشکیل دولت فلسطینی بر عهده ملت فلسطین است نه یک اقدام مسلحانه از جانب دولت خارجی و البته وظیفه امت اسلامی و دولتهای مسلمان پشتیبانی از این ملت است. یعنی اصل قانونی و حقوق بشری حق تعیین سرنوشت این حق را به ملت فلسطین می دهد که در راه آزادی سرزمین خود تلاش و مقاومت نموده و دولت فلسطینی با مشارکت همه طرف ها شکل بگیرد: « فلسطین متعلق به فلسطینیان است، و باید با ارادهی آنان اداره شود. طرح همه پرسی از همه ی ادیان و اقوام فلسطینی تنها نتیجه ای است که باید بر چالشهای امروز و فردای فلسطین مترتب شود.... در این طرح، فلسطینیان یهودی و مسیحی و مسلمان، در کنار هم در یک همه پرسی شرکت و نظام سیاسی کشور فلسطین را تعیین میکنند؛ آنچه قطعاً باید برود نظام صهیونیستی است و صهیونسم، خود بدعتی در آئین یهود و کاملاً بیگانه از آن است» (2020Khamenei.ir)

با توجه به بیانات فوق که از مقام معظم رهبری بعنوان تعیین و تبیین کننده سیاستهای کلی جمهوری اسلامی طرح و نقل شد، طرح جمهوری اسلامی نابودی رژیم با حمله مستقیم نظامی جمهوری اسلامی نیست ولی از منظر رژیم صهیونیستی و واقعیت های میدانی تنها حامی جدی ملت مظلوم فلسطین در احقاق حقوق خود جمهوری اسلامی است لذا همواره تهدیداتی را علیه جمهوری اسلامی بروز داده است و گاه و بیگاه جمهوری اسلامی را حتی تهدید به حمله نظامی نیز کرده است. از همین زاویه، جمهوری اسلامی نیز برای هرگونه اقدام احتمالی آمادگی لازم را کسب نموده است در این مسیر جمهوری اسلامی مجموعه استراتژی هایی را برای تقویت توان بازدارندگی خود ترسیم کرده است. البته دکترین دفاعی جمهوری اسلامی به مانند سنت امریکایی رسانه ای و صریح بیان نمی شود و نیازمند استخراج آن از گویه ها و مجموعه اقدامات صورت گرفته است. لذا، دکترین نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی در خلال بیانات و مواضع رهبران جمهوری اسلامی و سیاستگذاران دفاعی و امنیتی قابل فهم خواهد بود.

یکی از بارزترین جملات مقام معظم رهبری که می توان دکترین بازدارندگی جمهوری اسلامی در مقابل رژیم صهیونیستی را استخراج کرد این جمله کلیدی است: «گاهی سردمداران رژیم صهیونیستی، ما را تهدید به حمله ی نظامی میکنند؛ اگر نمیدانند، بدانند که اگر غلطی از آنها سر بزند، جمهوری اسلامی «تل آویو» و «حیفا» را با خاک یکسان خواهد کرد

«(2014Khamenei.ir) و در جای دیگری در خصوص استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی تصریح کرده اند: « باید قدرت دفاعی ما جوری باشد که دشمن تشویق نشود به یک اقدام و به دست از پا خطا کردن»(2018Khamenei.ir) و در موضع دیگری فرموده اند: «ما هیچ جنگی را شروع نمی کنیم ولی باید جرأت شروع جنگ را از دشمن گرفت»(2020Khamenei.ir) چنین جملاتی در بیانات مقام معظم رهبری زیاد است ولی کلیدواژه های مهم، جملات ذکر شده است. علاوه بر مقام معظم رهبری که سیاستهای کلی نظام را تبیین می کنند، فرماندهان نظامی بطور میدانی تر دکترین بازدارندگی جمهوری اسلامی را تشریح می کنند، بعنوان مثال سردار محسن رضایی که سالیان متمادی فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بر عهده داشته است در خصوص بازدارندگی جمهوری اسلامی گفته اند: «اگر دشمن جنگی علیه ما آغاز کند، پایانش با ماست» (سخنرانی های متعدد فرمانده وقت سپاه) همچنین جمله مشهور شهید سپهد حاج قاسم سلیمانی که به عنوان پیشانی مواجهه جمهوری اسلامی با رژیم صهیونیستی در منطقه است که فرموده اند: «جنگی را شما شروع می کنید، اما پایانش را ما مشخص می کنیم، شما می دانید جنگ یعنی نابودی همه امکانات شما» این جملات تبیین گر میدانی، جملات مقام معظم رهبری در خصوص بازدارندگی جمهوری اسلامی است. مفهوم کلی این جملات در این جمله مقام معظم رهبری خلاصه می شود که فرموده اند قدرت دفاعی باید هر گونه اقدام و دست از پا خطا کردن را از دشمن بگیرد (2018Khamenei.ir). این جملات در وضعیتی بیان شده است که دشمن اصلی ایران یعنی ایالات متحده و شریک منطقه ای اش رژیم صهیونیستی دارای سلاح های هسته ای هستند. می توان این گونه تفسیر کرد دکترین بازدارندگی جمهوری اسلامی علیرغم استعداد سلاح هسته ای دشمن، مبتنی بر «ضربه دردناک» و «توانایی وارد کردن ضربه جدی» به دشمن در صورت بروز هر گونه خطا از طرف دشمن تعریف کرد. چنانچه جمله « که اگر غلطی از آنها سر بزنند، جمهوری اسلامی «تل آویو» و «حیفا» را با خاک یکسان خواهد کرد» به صراحت چنین مسئله ای را گوشزد می کند. یعنی اگر چه دشمن ممکن است ضربه ای به جمهوری اسلامی بزند ولی پاسخ ایران نیز «ضربه دردناک» و «سهمگین» خواهد بود تبلور این قدرت بازدارندگی در تقویت توان موشکی جمهوری اسلامی است: « هر چه می توانید روی موشک کار کنید؛ ببینید دشمن چقدر روی موشک حساس است، پس بدانید که چقدر کارتان مهم است » (2018Khamenei.ir)

چنانکه عبدالرسول دیوسالار، پژوهشگر مؤسسه تحقیقات خلع سلاح سازمان ملل و تحلیلگر مسائل دفاعی و امنیتی در خصوص این ملاحظات آورده است: «اساساً دکرترین نظامی ایران بر این اصل استوار است که چگونه تهدیدهای آمریکا و تهدید اسرائیل را حذف کند؛ به این معنا که ایران از ابتدای سال‌های ۱۳۷۰ به بعد یعنی پس از جنگ ایران و عراق تمرکزش بر تقویت نظام بازدارندگی با این هدف بود که دیگر وارد جنگ نشود.» (divsalar.hammihan.ir,2019) برخی این دکرترین بازدارندگی در مقابل دشمن را دکرترین «جنگ ناهمطراز یا نامتقارن» نام نهاده اند که منظور جنگ با ابزاری است که دشمن را زمینگیر کرده و دچار خسارتهای مادی و معنوی می کند. (Haji-Yousefi,2016:15)

همان گونه که در بخش مباحث تئوریک طرح گردید، از اصول بازدارندگی «اعتبار» و «ارتباط» بود. حال باید دید از منظر دشمنان جمهوری اسلامی، مولفه های بازدارندگی جمهوری اسلامی چگونه دریافت شده است. در سندی که «امریکن اینترپرایز» در سال ۲۰۱۷ منتشر کرده و به بازی جنگ آمریکا و ایران پرداخته است، به صراحت نشان می دهد اصول بازدارندگی ایران در طرف مقابل دریافت شده و به تعبیری بازدارندگی ایران «معتبر» بوده است. در این سند بیان شده مقامات جمهوری اسلامی به صرافت دریافته اند ایران به لحاظ فناوری از آمریکا عقب تر است ولی سعی کرده بازدارندگی را مبتنی بر آسیب رساندن به آمریکا در صورت بروز جنگ ترسیم نماید. که این راهبرد را با کلیدواژه «تهدید با تهدید پاسخ داده خواهد شد» تشریح کرده است. (McInnis,2017) به همین جهت است که این سند آمریکا را از اقدام نظامی علیه ایران بخاطر ضربه خوردن به منافع آمریکا پرهیز می دهد.

این دکرترین تا پیش از عملیات وعده صادق قابل تعمیم است ولی در وعده صادق وضعیت جدیدی در مناسبات جمهوری اسلامی و رژیم رقم خورد که ضرورت ترسیم دکرترین جدید بازدارندگی را دو چندان می کند که در ادامه بدان خواهیم پرداخت

## ۴,۲ بازدارندگی جمهوری اسلامی پس از وعده صادق

عملیات طوفان الاقصی به اعتراف همه، هم در مناسبات گروههای مقاومت نسبت به رژیم صهیونیستی یک تحول نو بود و هم پس از آن سلسله اتفاقاتی را رقم زد که در تاریخ رژیم صهیونیستی بدیع و حتی می توان ادعا کرد نقطه عطف بود. بدیهی است تاثیرات این حادثه صرفاً

در سرزمین های اشغالی منحصر نشده و ابعاد منطقه ای و حتی بین المللی برای حامیان دو طرف یعنی مقاومت و رژیم صهیونیستی داشته باشد. همچنان که شاهد اعتراضاتی علیه نسل کشی و محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی در دانشگاهها و خیابانهای ایالات متحده و برخی متحدان اروپایی رژیم صهیونیستی هم بودیم. واکنش رژیم صهیونیستی هم به عملیات طوفان الاقصی محدود به سرزمین های اشغالی نبود و سایر حلقه های مقاومت را درگیر کرد و رژیم صهیونیستی دست به مجموعه اقداماتی علیه منافع ایران در سوریه و سایر نقاط نیز زد. این اقدامات پاسخ قاطعی از جانب ایران دریافت نکرد. با محاسبات تهران، نباید آورده طوفان الاقصی که محصول تلاش ضعیف ترین حلقه مقاومت یعنی حماس بود، تحت تاثیر یک درگیری بزرگتر یعنی جمهوری اسلامی یا حتی حزب الله با رژیم صهیونیستی قرار می گرفت. با این حساب دوری از مواجهه مستقیم حزب الله یا حتی ایران می توانست دستاورد طوفان الاقصی را به عنوان یک عملیات کاملاً فلسطینی بدون دخالت سایر حلقه های مقاومت تثبیت نماید لذا حمله گاه و بیگاه رژیم صهیونیستی به مواضع و منافع ایران در سوریه با صبر استراتژیک ایران مواجه می شد. همچنان که العربیه فارسی به نقل از نیویورک تایمز و با ارائه شواهد و قرائن و مستندات اشاره می کند که استراتژی جمهوری اسلامی پس از وعده صادق مبتنی بر سیاست «صبر استراتژیک» است. (Al Arabiya, 2024) همچنین برخی رسانه های داخلی پس از شهادت شهید رضی از فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سردار قآنی فرمانده نیروی قدس سپاه نقل کردند که طی یک سخنرانی در مراسم یادبود آن شهید گفته بودند: «شما شهید رضی موسوی را ترور می کنید، زیرا نتوانستید در میدان جنگ غزه چیزی به دست آورید، اما ایران به نقشه های شما کشیده نمی شود» (قآنی، ۱۴۰۲/۱۰/۲۵) که حکایت از تداوم استراتژی صبر راهبردی جمهوری اسلامی در مواجهه با اقدامات تنش زای رژیم صهیونیستی تا پیش از حمله به کنسولگری ایران در سوریه علیه ایران دارد.

وضعیت جدید پس از حمله گاه و بیگاه رژیم صهیونیستی به مواضع و منافع جمهوری اسلامی در سوریه اتفاق افتاد در آخرین مورد از این دست اقدامات رژیم صهیونیستی بصورت رسمی به کنسولگری جمهوری اسلامی در دمشق حمله نمود و برخی فرماندهان جمهوری اسلامی را آشکارا به شهادت رساند، تفاوت این عملیات با موارد پیش از آن که منجر به ایجاد وضعیت جدید شد، از چند جهت است. مهم ترین آن اینکه، حمله به کنسولگری، حمله مستقیم به مکان دیپلماتیک جمهوری اسلامی است و از منظر حقوقی از اماکن مصون از حمله در جنگ است.

دیگر اینکه مشهور است که اماکن دیپلماتیک به مثابه خاک کشور تلقی می شود اگر چه به لحاظ حقوقی چنین نیست ولی از منظر افکار عمومی چنین تلقی می شود. دیگر اینکه این حمله بطور رسمی با هواپیماهای رژیم صهیونیستی انجام پذیرفت. تا پیش از حمله به کنسولگری، تمامی اقدامات رژیم صهیونیستی بدون بر جا گذاردن رد مستقیم انجام می پذیرفت و به لحاظ حقوقی قابلیت اثبات و طرح دعوی علیه رژیم صهیونیستی را نداشته و در قالب عملیات ویژه تعریف می شد ولی حمله به کنسولگری رژیم صهیونیستی بطور رسمی انجام گرفت و در شمار عملیات و اقدام نظامی یک کشور علیه کشور دیگر صورتبندی می شود. عدم پاسخ به چنین جنایت آشکاری تبعات زیادی برای جمهوری اسلامی داشته و پرستیژ بین المللی جمهوری اسلامی در سطح بین المللی، منطقه ای و حتی داخلی و در افکار عمومی ملت خود را خدشه دار می کرد. لذا ضرورت طراحی پاسخی به چنین جسارت رژیم صهیونیستی را دو چندان می کرد و گمانه هایی از چیستی و چگونگی پاسخ به این جنایت را مطرح کرد. ولی در مقابل نگرانی هایی از چگونگی واکنش رژیم صهیونیستی برخی را دچار تعلل و وحشت می کرد. در نهایت واکنش قاطع جمهوری اسلامی ایران به حمله رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران منجر به طراحی و اجرای عملیات غرور آفرین «وعده صادق» گردید، عملیاتی که منجر به شکل گیری وضعیت جدید در مناسبات جمهوری اسلامی و رژیم صهیونیستی شد.

### ۳،۴ الزامات بازطراحی بازدارندگی جمهوری اسلامی مبتنی بر تجربه وعده صادق

#### الف: ابطال افسانه اختلاف نظر بین آمریکا و رژیم در مورد ایران

پس از انجام عملیات وعده صادق، رسانه ها اعلام کردند در پی حمله ایران، کابینه جنگ رژیم صهیونیستی تشکیل شده و با تاکید بر انتقام نظامی، درباره چگونگی پاسخ به این حمله بحث و احیاناً تصمیم گیری شده است؛ اما پس از مکالمه بایدن با نتانیاهو، تصمیم برای اقدام منتفی گردید. (The NewYorkTimes.2024) چندی بعد از رجزخوانی مقامات رژیم، دولت آمریکا اعلام کرد در صورت حمله به ایران، اسرائیل خود را تنها خواهد یافت. به راستی چه اتفاقی افتاد که با عملیات بامداد جمعه رژیم، بلینکن اعلام کرد حق مجازات ایران توسط اسرائیل را به رسمیت می شناسد. آیا این بدان معناست که آمریکا در اعلام موضع اولیه خود صادق نبوده و همه ماجرا عملیات فریب علیه ایران بوده است؟ و یا اینکه عوامل دیگری دست به دست هم داده و باعث تغییر مواضع اولیه آمریکا شده است؟

فرضیه های مختلفی را می توان طرح کرد، اما احتمال قدر مشترک همه آنها این است که مواضع آمریکا و اسرائیل در برخورد با ایران و جبهه مقاومت بسیار نزدیک تر از آن چیزی است که وانمود می شود. در واقع شاید بتوان گفت نوعی تقسیم کار بین بازیگران صورت گرفته است. رژیم مسئولیت عملیات و به نمایش گذاشتن چهره خشن را بر عهده گرفته است (برای نمونه شهید کردن بیش از ۴۵۰۰۰ نفر غیر نظامی در غزه) و آمریکا نقش قوه عاقله ای را بر عهده دارد که با دعوت حریفان به خویشتنداری، حریفان اسرائیل را مدیریت کرده تا آمادگی واکنش رژیم را حد کثر سازی نماید. در این صورت تحلیلگران یا حتی دولتهایی که این تقسیم نقش بازیگرانه را واقعی تلقی کرده و در زمین آنها بازی می کنند در واقع در اعمال بازدارندگی خود دچار تردید شده و تضعیف می شوند. لازم به یادآوری است همانطور که اشاره شد یکی از مولفه های بازدارندگی رژیم ائتلاف سازی با آمریکا بود. پس در اینجا بازی همان بازی ائتلاف است و هر یک نقشی را ایفا کرده است. همچنان که تاخیر در پاسخ به شهادت هنیه هم بیشتر مرتبط با واسطه گیری آمریکا برای ایجاد آتش بس در غزه بود که در آن بازه زمانی هیچگاه محقق نشد

### **ب: پاسخ مدیریت پذیر، تله افول قدرت بازدارندگی**

بیش از نیم قرن است که ادبیات استراتژیک به ویژه بعد از بحران موشکی کوبا بر عنصر ارتباط در کنار دو رکن دیگر بازدارندگی یعنی اعتبار و توانمندی تاکید دارد. (Collins, 1977, 161) به موجب این اصل، بازیگری که می خواهد در برابر حریف معادله بازدارندگی را ایجاد و تثبیت کند باید به روشنی به آن بفهماند که خواسته اش چیست و در صورت عدم تمکین طرف مقابل چه مجازاتی در انتظارش خواهد بود. بر عکس این قاعده، همچنانکه پیشتر آمد، برای چند دهه، جمهوری اسلامی با طرح این گزاره که «اگر حریفانش تهاجمی را آغاز کنند توانایی پایان دادن به مخاصمه را نخواهند داشت» و اینکه هر رویارویی می تواند به جنگی همه جانبه منجر شود که ابعادش نامعلوم است؛ توانسته در برابر حریفان قدرتمند تری همچون آمریکا بازدارندگی ایجاد کند. به نظر می رسد این بار در رویارویی ایران و رژیم، غرب سعی کرد ایران را در تله مدیریت پذیری گرفتار کند. از یک سو رژیم، به ویژه با تکیه (یا با بهره گیری از) ترس موهوم برخی تحلیل گران ایرانی<sup>۱</sup>، توانسته این تصویر را ایجاد کند که هر درگیری، می تواند به جنگی گسترده منجر شود و از ترس

<sup>۱</sup> به عنوان مثال، صادق زیبا کلام طی مصاحبه ای گفته بود اگر جمهوری اسلامی به تجاوز رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در سوریه پاسخ مستقیم دهد، اسرائیل تمام زیرساختهای ایران را نابود کرده و یک تیر برق سالم نخواهد گذاشت!

ورود به جنگ گسترده با دولتمردان بی رحم و بی اعتنا به هر گونه موازین اخلاقی، انسانی و حقوقی، به پذیرش آخرین ضربه حریف قانع شود و بنا بر این قاعده بازی، خویشتنداری را رعایت نماید. از سوی دیگر آمریکا به عنوان حافظ قاعده بازی و معمار و حافظ نظم موجود، ضمن افسان جبهه مقاومت به خودداری از حمله به منافع استکباری، تلاش می نماید، رفتار نظامی جمهوری اسلامی را مدیریت پذیر کند.

برخی وقایع مانند حفظ قاعده بازی بین حزب الله و رژیم صهیونیستی، در تعیین حدود ضربه های نظامی متقابل نیز محرک روی آوری تحلیلگران ایرانی به چنین محاسبه ای است. غافل از اینکه وضعیت درگیری رژیم و ایران با حزب الله و رژیم تفاوت دارد. حزب الله در میانه عادی سازی چند دهه زد و خورد با رژیم قرار دارد و حال آنکه ایران در آغاز راه رویارویی مستقیم با رژیم بوده و در حال نهادینه کردن "شکست" افسانه بازدارندگی صهیونیستها در برابر حریف دولتی است. تثبیت شکست بازدارندگی، در تکمیل ضربه ۱۷ اکتبر، عملاً رژیم را از چتر افسانه بازدارندگی بیرون کشیده و آن را به محیط امنیتی جدیدی وارد می کند.

کشتار بیش از ۴۵۰۰۰ غیر نظامی (تا نگارش این پژوهش)، عملاً هزینه ای است که رژیم برای جلوگیری از جافتادن شکست بازدارندگی در مقابل جنگجویان غیر دولتی پرداخته و بدیهی است برای مقابله با بعد مکمل این شکست، احتمالاً برای پرداخت هزینه های بالاتر در مقابل بازیگران دولتی هم آمادگی دارد.

در مسئله مورد بحث ما یعنی پاسخ به تجاوز رژیم به کنسولگری ایران؛ لازم نیست حتماً طرف مقابل را به کنار گذاشتن کامل اهداف جنگی وادار کند. بلکه کفایت تا ایران را قانع کنند که برای احتراز از عواقب پیگیری سیاست جنگی صددرصد، تنها یک درصد کوتاه بیاید. اینجا همان نقطه سازش پذیری است. چون بازیگری که به یک درصد کوتاه آمدن رضایت می دهد به همه ذینفعان معرکه (نه فقط دشمنان بلکه به متحدان و دوستان خود و حتی افکار عمومی) نشان می دهد که هرگونه عقب نشینی محتمل است؛ تنها کفایت که قدم به قدم نسبت به عقب نشینی های بعدی تشویق شود.

این همان خطای راهبردی «مدیریت پذیر» شدن رفتار یک بازیگر توسط دشمن است. برای دشمن، رفتاری «مدیریت پذیر» است که «محاسبه پذیر» باشد. برعکس نشان دادن تصویر محاسبه ناپذیری رفتار ما برای دشمن، دستگاه محاسباتی او را به هم می ریزد. اساساً می توان ادعا کرد

جوهره تصمیم‌گیری‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (حفظه الله) همین محاسبه ناپذیری، پیش‌بینی ناپذیری و مدیریت ناپذیر ساختن رفتار بازیگری است که توانایی بازدارندگی ممانعت در مقابل دشمن ندارد<sup>۱</sup>. لذا در بازدارندگی مجازات باید با محاسبه ناپذیری زمین بازی را او تعریف نماید. در مقابل، به محض آنکه دشمن بتواند رفتار ما را از وضعیت محاسبه ناپذیر به محاسبه پذیر تغییر دهد (که ظاهراً دشوارترین بخش کار برای او همین مرحله است) آنگاه می‌تواند برای همه مراحل بعدی به تسلیم کشاندن کامل رقیب برنامه ریزی کند.

مادامی که بتوانیم وضعیت محاسبه ناپذیری را حفظ کنیم می‌توانیم امیدوار باشیم که در برابر دشمن بازدارندگی مجازات ایجاد کرده ایم. اگر بخواهیم پیشتر برویم و او را به پذیرش خواسته‌های بیشتر خود وادار کنیم باید خطر اعمال «زور ناب» را برای او معتبر کنیم و از محاسبه پذیر شدن خودمان (محاسبه ناپذیری در همه ابعاد، از زمان حمله گرفته تا ابعاد حمله، شدت حمله مکان حمله میزان تداوم حمله و ...) پیشگیری کنیم. به ویژه زمانی که با دشمنی با توان فیزیکی و فناوری برتر روبرو هستیم؛ ضرورت محاسبه ناپذیری (و نتیجه عملی آن یعنی غافلگیری) به حداکثر می‌رسد این غافلگیر کردن دشمن است که همچون تجربه دفاع مقدس، فرودستی فیزیکی ما را جبران کرده و بر مبنای اصل تاثیر محوری اثربخشی اقدامات هجومی ما بر تصمیمات دشمن را به حداکثر رساند.

حال به تجربه عملیات وعده صادق بازگردیم. تا پیش از عملیات وعده صادق مطابق آنچه به رسانه‌ها درز کرد، رژیم صهیونیستی و به تبع آن آمریکا از طرق کانالهای مختلف دیپلماتیک، غیر دیپلماتیک و حتی امنیتی و غیر آن درصدد ارتباط‌گیری ابتدا برای منصرف کردن ایران از پاسخ به تجاوز کنسولگری و در مرحله بعد کاهش حجم حمله جمهوری اسلامی بود. می‌توان استدلال

---

<sup>۱</sup> همچنانکه از امام خمینی نقل شده «برخی مسئولین، شب دیرهنگام با نگرانی خدمت امام رسیدند. معلوم شد یک ناو امریکایی برای اولین بار به داخل آب‌های خلیج فارس آمده و ما را تهدید کرده است. مسئولین در آن وقت شب که امام معمولاً ملاقاتی نداشت با حالتی نگران خدمت امام رسیدند. نیم ساعت بعد که از اتاق امام خارج شدند، خدا می‌داند با چند دقیقه قبل رنگ و رویشان زمین تا آسمان فرق کرده بود. بسیار خوشحال و خشنود به نظر می‌رسیدند و با احوال‌پرسی گرمی که از ما کردند، بیت را ترک کردند و رفتند. وقتی از آنها پرسیدم که چرا در این وقت شب خدمت امام رفتند و امام به آنها چه فرمودند، گفتند: امام به ما فرمودند: چیز مهمی نیست نگران نباشید. پرسیدیم: آقا چه کنیم؟ گفتند: اگر من جای شما بودم وقتی سر و کله اولین ناو جنگی امریکایی در آب‌های خلیج فارس ظاهر شد همان وقت آن را با موشک می‌زدیم تا ناو

دومی جرات نکند بعد از او وارد خلیج فارس بشود. (Rezaei Koopaee, 2013)

کرد مجموعه این رایزنیها و پیامها در راستای همان استراتژی محاسبه پذیر کردن رفتار جمهوری اسلامی برای مدیریت پذیر کردن آن بود.

اما تجربه عملیات وعده صادق توانست قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی را تثبیت نماید که از رهگذر چند مسئله راهبردی حاصل شد. جمهوری اسلامی در پاسخ به تجاوز رژیم به کنسولگری جمهوری اسلامی اقدام قاطع نظامی انجام داد و از خاک جمهوری اسلامی، خاک سرزمین های اشغالی را هدف قرار داد. یعنی یک اقدام نظامی قاطع و اعلام شده که در تاریخ رژیم صهیونیستی بی سابقه بود و در این فرایند، تلاش های دیپلماتیک رژیم صهیونیستی و غرب برای مدیریت پذیری رفتار جمهوری اسلامی را وقتی نهاد. البته در ایجاد بازدارندگی و بر مبنای رفتار جمهوری اسلامی در وعده صادق، بطور رسمی به رژیم صهیونیستی و حامیانش هشدار داده شد هر گونه پاسخ به عملیات وعده صادق، پاسخ ده برابری در بر خواهد داشت، تهدیدی که تجربه وعده صادق نشان می داد معتبر است و در صورت اراده جمهوری اسلامی قابلیت تحقق دارد. بدیهی است که رژیم صهیونیستی که در تنگنای جنگ در چند جبهه قرار داشت و تجربه وعده صادق را در فراروی خود داشت توانایی پاسخ شدید به تنبیه ایران را نداشت و نتوانست معادله بازدارندگی را به نفع خود تغییر دهد و معادله بازدارندگی در این کشاکش حساس به نفع جمهوری اسلامی تا حدودی پایان پذیرفت.

### ج: لزوم پیگیری زور حداکثری بر رژیم صهیونیستی و همپیمانانش

همچنان که اشاره شد از جمله خطرناکترین خطاهای راهبردی، اصرار بر «عقلانیت راهبردی» در برخورد با دشمنی است که می خواهد «رفتار شما را مدیریت پذیر کند». از آن خطرناک تر عقلانی نشان دادن خود، (محاسبه پذیر نشان دادن خود) در برابر دشمنی است که منبع تهدید وجودی علیه یک دولت است. چنین دشمنی که به هیچ چیز جز نابودی و حذف شما نمی اندیشد، هر گونه خویشتن داری و هزم اندیشی حریف را به مثابه فرصتی برای تجدید قوا و پیشروی بعدی در نظر گرفته و از خرد ورزی راهبردی ما به مثابه دریچه و فرصت برای زدن ضربه های آتی استفاده می کند. در برابر چنین دشمنی چه باید کرد؟ قدرت هایی که خود را اعضای اصلی جامعه جهانی و مدیران باشگاه قدرت جهانی می پندارند در برخورد با بازیگرانی که در صدد تغییر نظم

موجود هستند جانب عقلانیت‌ورزی را به کنار نهاده و به هیچ چیز جز حذف فیزیکی و شکست حریف نمی‌اندیشند؛ تجربه ویتنامی‌ها در برخورد با امریکا و تجربه نیروهای همچون حزب الله لبنان در مواجهه با صهیونیستها، نشان داده، تنها عامل بازدارنده در برابر این قدرتها «زور حداکثری» است و آنگاه است که احتمال می‌رود دشمن عقب نشینی کرده و جبهه مقاومت از وضعیت دفاعی فراتر رفته و به منصرف سازی دشمن از دشمنی دست یابد و گرنه با در دستور کار قرار دادن عقلانیت راهبردی نه تنها بازدارندگی تامین نمی‌شود که باعث پیشروی دشمن در زمین بازی حریف می‌شود.

### د. بازدارندگی جمهوری اسلامی و عملیات خرابکارانه رژیم در اصفهان

آنچه تا کنون مطرح شد در خصوص باز طراحی بازدارندگی جمهوری اسلامی مبتنی بر تجربه وعده صادق بود. از آنجایی که این پژوهش مبتنی بر واقعیت‌های میدانی است و باید انعکاس دهنده واقعیت‌های میدانی در بازدارندگی جمهوری اسلامی نسبت به رژیم صهیونیستی باشد لازم است به همه ابعاد و زوایای این مسئله بپردازد که از آن جمله پاسخ رژیم به وعده صادق اول در اصفهان بود. تنها چند روز پس از عملیات وعده صادق بود که رژیم صهیونیستی به موضعی از جمهوری اسلامی در اصفهان حمله کرد. اگر چه همه زوایای این عملیات چندان روشن نشد ولی بخش مهمی از آن که در موضوع بازدارندگی حائز اهمیت است از رسانه‌ها قابل استفاده است. العربیه به نقل از نیویورک تایمز با انتشار تصاویری در این خصوص آورده: «تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد در حمله به پایگاه شکاری اصفهان یک رادار مورد استفاده در سامانه پدافندی هوایی اس ۳۰۰ منهدم شده است» (Al Arabiya 2024, July 1) آنچه در رسانه‌ها منتشر شد حکایت از این داشت که سه ریز پرنده در قالب عملیات خرابکارانه به سامانه پدافندی پایگاه شکاری اصفهان حمله کرده‌اند. اما صدای آمریکا به نقل از سناتور ارشد جمهوری خواه آمریکا مارکو رویو نقل کرد که «انفجارهای اصفهان نتیجه حملات موشکی اسرائیل بوده که از خارج خاک ایران انجام شده است» (Voice of America (VOA 2024, July 18) باقی جزئیات این عملیات چندان قابل استناد نیست و شاید از منظر بازدارندگی که مسئله این پژوهش است چندان اهمیت نداشته باشد. اما نکات مهم این عملیات از منظر بازدارندگی می‌تواند چند مسئله باشد: رژیم صهیونیستی در پاسخ حمله موشکی به خاک سرزمین‌های اشغالی به خاک جمهوری

اسلامی حمله موشکی نموده است. در حمله مرکزی ترین استان ایران یعنی اصفهان مورد حمله قرار گرفته است. محل حمله پایگاه شکاری اصفهان است که به لحاظ پدافندی از نقاط حیاتی محسوب می شود. در نهایت سامانه راداری اس ۳۰۰ که وظیفه تامین هوایی را بر عهده دارد مورد حمله و آسیب قرار گرفته است.

از منظر بازدارندگی، آخرین زنده ضربه در تقابل رفت و برگشتی میان ایران و رژیم، به نفع رژیم صهیونیستی بوده است. حمله به سامانه راداری یعنی نوعی به رخ کشیدن توان تکنولوژیکی خود در مقابل دشمن و مفهوم آن این است که رژیم توانایی حمله به اماکن و تاسیسات حساس تر همچون نظنز و مکان های دیگر که تحت پوشش سامانه های پدافندی اس ۳۰۰ یا بومی ایرانی هستند را داراست. از منظر بازدارندگی و با منطق این پژوهش، حمله رژیم به اصفهان، برای محاسبه پذیری تصمیم "تصمیم گیران" سطوح عالی مسئولان ایران طراحی شده است که نتیجه آن مدیریت پذیری رفتار بعدی جمهوری اسلامی خواهد بود. یعنی حمله به اصفهان برای افکار عمومی و در سطح ملتها طراحی نشده بود بلکه برای دستکاری در دستگاه محاسباتی تصمیم سازان و تصمیم گیران داخلی مبتنی بر «محاسبه پذیری» و نتیجتاً «مدیریت پذیری» طراحی شده بود.

با همین منطق و مبتنی بر نظریه بازدارندگی مبتنی بر محاسبه پذیری نتیجه قهری آن مدیریت پذیری رفتار بعدی جمهوری اسلامی بوده است. جمهوری اسلامی برای ترمیم و تثبیت بازدارندگی در وعده صادق، حداقل در پاسخ به تجاوز رژیم صهیونیستی باید عملیاتی به مراتب پیچیده تر از حمله رژیم به اصفهان طراحی و اجرا می کرد که کفه بازدارندگی در نهایت به نفع جمهوری اسلامی سنگینی کند. البته ملاحظات سیاسی و دیپلماسی پنهان همواره در پس و پیش این عملیات ها وجود داشته است و ممکن است جمهوری اسلامی برای ترمیم بازدارندگی از ابزار دیپلماسی پنهان یا اطلاعاتی بهره برده باشد که داده های آن از پژوهشگران این نوشته پنهان است.

## نتیجه گیری

این پژوهش در پی ترسیم و بازنگری در اصول بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در مقابل رژیم صهیونیستی مبتنی بر تجربه وعده صادق است. جمهوری اسلامی ایران طی چهار دهه از عمر پربرکت خود درگیر تهدیدات متنوعی بوده است که بقایش را مورد تهدید و تردید قرار می داده

است. ماهیت منحصر به فرد جمهوری اسلامی و مخالفت جمهوری اسلامی با نظم مطلوب قدرتهای استکباری این تهدیدات را دو چندان کرده است. گفتمان انقلاب اسلامی که مبتنی بر اسلام، عدالت و حمایت از مستضعفان بوده است زمینه های مخالفت با تاسیس، بقا و تجاوزگری رژیم صهیونیستی بوده است. به همین منظور جمهوری اسلامی ایران از بدو تاسیس و حتی رهبران آن پیش از تاسیس به مخالفت با رژیم صهیونیستی برخاسته اند. رژیم صهیونیستی نیز برای استیلا و تثبیت بقای خود همواره مخالف کشورهای مستقل بوده و حتی در صدد فروپاشی چنین دولت‌هایی برآمده است. این تعارض و رویارویی گفتمانی جمهوری اسلامی و نظام سلطه و بطور خاصتر با رژیم صهیونیستی طی چهار دهه اخیر پس از جنگ تحمیلی، مهم ترین مسائل دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی را به خود مشغول داشته است. رژیم صهیونیستی با توجه به حمایت غرب به ویژه ایالات متحده تنها دارنده سلاح هسته ای در منطقه است که سایر کشورها به ویژه جمهوری اسلامی را گهگاهی تهدید به حمله نظامی و حتی هسته ای نیز می کرده است. در این میان جمهوری اسلامی علیرغم تنگناها، تحریم ها و فشارهای بین المللی علاوه بر اینکه توانسته بر تهدیدات وجودی خود فایق آید توانسته با تکیه بر توان داخلی و بومی، بازدارندگی نیز ایجاد نماید. بازدارندگی جمهوری اسلامی طی دهه های قبل بر توان ضربه زدن به دشمن تبلور یافته بود مبنی بر اینکه اگر به جمهوری اسلامی حمله ای صورت پذیرد جمهوری اسلامی نیز توانایی وارد آوردن ضربه سهمگین به دشمن را داشته و اینچنین بر تامین امنیت خود دست می یابد. اما عملیات طوفان الاقصی و در پی آن مجموعه اتفاقاتی رقم خورد که منجر به حمله رسمی و عینی جمهوری اسلامی به سرزمین های اشغالی شد. چیزی که هم در تاریخ رژیم صهیونیستی و هم تاریخ انقلاب اسلامی بی سابقه بود و ماندگار شد. مبتنی بر به وجود آمدن وضعیت جدید در مناسبات جمهوری اسلامی و رژیم صهیونیستی، ضرورت باز طراحی دکترین بازدارندگی جمهوری اسلامی برگرفته از تجربه عملیات وعده صادق دو چندان خواهد بود. این نوشتار می تواند طلیعه ای در طرح مباحث نو در مسئله بازدارندگی جمهوری اسلامی متناسب بر محیط امنیتی جدید به وجود آمده باشد. علاوه بر رژیم صهیونیستی قابلیت تعمیم بازدارندگی در قبال ایالات متحده آمریکا نیز داراست. بخصوص که پیش از عملیات وعده صادق تجربه ساقط کردن گلوبال هاوک فنی ترین

پهپاد رادار گریز ایالات متحده و همچنین حمله به عین الاسد پس از شهادت سردار سپهبد قاسم سلیمانی را نیز در مقابل چشمان خود داریم.

اگر عملیات وعده صادق در مناسبات ایران و رژیم بدیع و سرآغاز مناسبات جدید بود، نباید فراموش کرد پس از حمله ژاپن به پرل هاربر در جنگ جهانی دوم، حمله به عین الاسد نیز اولین حمله دولتی مستقیم به منافع آمریکا بود و زمینه ای شد که اکنون هر گروه کوچک و بزرگ مقاومت، در خود این جسارت را می بیند که به پایگاهها و ناوهای جنگی ایالات متحده حمله کند.

از این رو با تکیه بر عملیات وعده صادق و حتی حمله به عین الاسد می توان گفت این دو حمله علاوه بر اینکه در نوع خود بی بدیل بود و محیط امنیتی جدیدی فراوی جمهوری اسلامی و دشمنانش به وجود آورد، برای دشمن نیز محاسبه نشده و غیر قابل باور بود. لذا این حقیقت باید به عنوان تجربه ای موفق در بازبینی دکترین نظامی جمهوری اسلامی باشد که این نوشتار سعی نمود به عنوان باز کردن پنجره ای نوین به دکترین دفاعی کشور باشد و در گامهای بعدی این ایده را بازپروری نماید.

## فهرست منابع

- Eftekhari, A. (2002). Foundational stages of thought in security studies. Strategic Studies Research Center. [In Persian]
- Buzan, B. (1999). People, states and fear: An agenda for international security studies in the post-Cold War era (M. Attarzadeh, Trans.). Strategic Studies Research Center. (Original work published 1991)
- Haji-Yousefi, A. M. (2016). Asymmetric warfare: Concepts and cases. Strategic Studies Research Center. [In Persian]
- Rezaei Koopaei, M. T. (2013). Thirsty and the sea: Memoirs of one of the guards of Imam Khomeini's household. Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Tabatabaei, M. H. (1996). Al-Mizan fi tafsir al-Qur'an (Vol. 9). Dar al-Kutub al-Islamiyah. [In Arabic]
- Asgarkhani, A. (1998). A survey of deterrence theories, disarmament, and nuclear arms control. Defense Policy Journal, (25), 45-72. [In Persian]
- Freedman, L. (2007). Deterrence (R. Talebi-Arani & A. Ghahramanpour-Bonab, Trans.). Strategic Studies Research Center. (Original work published 2004)
- Ghasemi, F. (2012). Conceptual reconstruction of regional deterrence theory and model design based on power cycle and network theory. Defensive Strategic Quarterly, 10(38), 7-36. [In Persian]
- Collins, J. M. (1977). Grand strategy: Principles and practices (K. Bayandor, Trans.). Institute for Political and International Studies. (Original work published 1973)
- Walt, S. M. (2023). The origins of alliances (Z. Moradi, Trans.). Abrar-e Moaser Institute for International Studies and Research. (Original work published 1987)
- Colin s.gray (2001) deterrence and the nature of strategy, deterrence in the 21 century (international institute for strategic studies)
- Powell, R. (1990), Nuclear Deterrence Theory: The Search for Credibility, New York, Cambridge University Press.
- Mazarr, M. J. (2018). Understanding Deterrence. RAND Corporation.
- Lupovici, A. (2016). The power of deterrence: Emotions, identity, and American and Israeli wars of resolve. Cambridge University Press.
- Black, I., & Morris, B. (1991). Israel's secret wars: A history of Israel's intelligence services. Grove Press
- Bergman, R. (2018). Rise and kill first: The secret history of Israel's targeted assassinations. Random House
- Al Arabiya. (2024, January 4). New York Times: U.S. and Israel discuss war plans if Iran builds nuclear weapon. Al Arabiya Farsi. <https://farsi.alarabiya.net/iran/2024/01/04>
- Al Arabiya. (2024, July 18). Iran's new president: A figure committed to the principles of the regime. Al Arabiya Farsi. <https://farsi.alarabiya.net/iran/2024/04/20>
- Khamenei.ir. (2024, May 15). Statements on the occasion of the anniversary of the liberation of Khorramshahr [بیانات در سالگرد آزادسازی خرمشهر]. Office of the Supreme Leader. <https://www.khamenei.ir>
- Voice of America (VOA). (2024, July 18). Explosions heard in Isfahan, Iran. VOA Persian. <https://ir.voanews.com/a/explosions-heard-in-isfahan-iran/7576401>

